

----- (شایعه اعطای کاپیتولاسیون به مستشاران آمریکا) -----

بسانه ای برای مخالفت با پادشاه قید

روح الله خمینی در روز چهارم آبانماه سال ۱۳۴۳ خورشیدی سالروز تولد محمدرضاشاه پهلوی؛ که تصادفاً آن سال مصادف بود با بیستم جمادی الثانی ۱۳۸۴؛ یعنی با میلاد فاطمه زهرا مطابقت داشت؛ سخنرانی مغرضانه خود را در رقم در مورد قانونی که وی به غلط آنرا کاپیتولاسیون نام نهاده بود؛ ایراد کرد.

«لازم به یادآوریست که در آن زمان هنوز روح الله خمینی این ادعا را نکرده بود که روز بیستم جمادی الثانی سالروز تولد خود من نیز میباشد».

از زمانی که رژیم جمهوری اسلامی در ایران مستقر شده است؛ همه ساله با فرارسیدن ماه آبان «سالروز سخنرانی وی که روز سیزدهم با سالروز بازداشت و تبعید او به ترکیه؛ بعنت همان سخنرانی نیز مصادف میباشد» رسانه های گروهی رژیم ملایان یکباردیگر راجع به این قانون باهمان عنوان کذب و خلاف واقع سخن میاورند و از آن با هوچیگری و هياهو (بنام یکی از خیانت‌های بزرگ محمدرضاشاه پهلوی نام میبرند).

باتوجه باین مراتب و بیاناتی از سوی مدعیان روشنفکری که کاملاً خلاف واقع و مطالبی پراز سفسطه و مغلطه؛ است کاری که می کنند این است که نظر روح الله خمینی رامینی بر اینکه رژیم سابق بموجب قانون مصوب مزبور؛ مصونیت ها و مزایای مربوط به کاپیتولاسیون به مستشاران نظامی آمریکا داده شده بود؛ را تکرار میکنند، این نوشتار بر آن شد تا مطلبی برای آگاهی عموم وبویژه جوانان کشورم تهیه و واقعتهای مربوط به این امر را به آگاهی برساند.

تاریخچه کلی از آغاز روابط سیاسی و نظامی ایران با آمریکا

اولین پیمان برای برقراری روابط سیاسی بین ایران و آمریکابه نام پیمان دوستی و تجاری در تاریخ ۱۳ دسامبر ۱۸۵۶ (۲۲ آذر ۱۲۳۵) در قسطنطنیه؛ بین فرخ خان غفاری؛ ملقب به امین الملک ایچی سفیر کبیر ایران در فرانسه و کارول مسپتس؛ وزیر مختار آمریکای شمالی در دربار عثمانی منعقد گردیده است.

بموجب ماده دوم این پیمان دولت آمریکا از حقوق مربوط به کشورهای کامله الوداد برخوردار شده که منظور از این اصطلاح همان مقررات «کاپیتولاسیون» بوده است.

با اینکه این پیمان در تاریخ ۱۶ فوریه ۱۸۵۷ (۲۸ بهمن ماه ۱۲۳۵) به توشیح ناصرالدین شاه رسیده و از نظر ایران لازم الاجرا گردیده بود؛ ولی دولت آمریکا تا نزدیک به ۲۶ سال بعد در مورد برقراری روابط با ایران اقدامی بعمل نیاورده است.

در تاریخ ۵ اوت ۱۸۸۲ (۱۴ مرداد ۱۲۶۱) کنگره آمریکا قانون تاسیس سفارت در تهران رایه تصویب رسانید و چندماه بعد در ژانویه سال ۱۸۸۳ (دی ماه ۱۲۶۱) نخستین سفیر آمریکا در ایران تعیین و به تهران اعزام گردید.

اولین وزیر مختار ایران در آمریکانیز حسینقلی خان صدرالسلطنه؛ پسر چهارم میرزا آقاخان نوری؛ بوده که در ژوئن سال ۱۸۸۸ (تیرماه ۱۲۶۷) به این سمت منصوب و بانکشورروانه شده است.

چون این شخص در سال قبل از این انتصاب به حج رفته بود؛ در زمان عزیمت به محل ماموریت خود؛ از طرف ناصرالدین شاه به لقب (حاجی واشنگتن) ملقب گردیده است. ظاهراً ورود وی به

واشنگتن با اولین عید قربان بعد از حاجی شدن مصادف بوده؛ که بعنوان اولین اقدام خود در آمریکا؛ با اجرای مراسم قربانی گوسفند در محل سفارتخانه دست زده است.

از آن تاریخ تا زمانیکه سلطنت به خاندان پهلوی منتقل گردیده است؛ به دوفقره ماجرای جنجال برانگیز در مورد استخدام دوهینت مستشاری از آمریکا برمیخوریم؛ که اولی به ریاست مورگان شوستر ۱۹۱۱ میلادی (۱۲۹۰ شمسی) و دومی به ریاست آرتور میلیسپود ۱۹۲۲ میلادی (۱۳۰۱ شمسی) بوده است.

هرچندکه استخدام هینت دوم بعد از کودتای ۱۲۹۹ رضا شاه بزرگ انجام شده؛ و تا نزدیک دوسال بعد از به سلطنت رسیدن رضاشاه ادامه داشته است؛ ولی در طول سلطنت این پادشاه هیچ مستشار آمریکایی برای ایران استخدام نشده است.

در زمان سلطنت محمدرضاشاه اولین مستشاران آمریکایی که بایران دعوت شدند هینتی بریاست همان آرتور میلیسپو بود. لایحه استخدام این شخص در تاریخ ۱۲ نوامبر ۱۹۴۲ (۲۱ آبان ۱۳۲۱) در مجلس شورای ملی به تصویب رسید. ولی بعد از دوسال بعثت اختلافاتی که با دولت ایران پیدا کرده بود؛ مستعفی گردید و استعفایش در تاریخ فوریه ۱۹۴۵ (۱۹ بهمن ۱۳۲۳) از طرف مجلس شورای ملی مورد قبول قرار گرفت.

ترتیب استخدام آرتور میلیسپو و هینت مستشاران زیر نظر او هر دو بار (چه در دوران احمدشاه قاجار و چه در زمان محمدرضاشاه پهلوی) هنگامی داده شده که میرزا احمد قوام؛ قوام السلطنه بعنوان نخست وزیر خدمت میکرده است.

حسن ارسنجانی در یادداشتهای سیاسی خود در این رابطه چنین نوشته است:

«قوام السلطنه عقیده داشت که آمریکا هیچگونه خطر استعماری برای ایران ندارد؛ زیرا میان ایران و آمریکا اقیانوس ها فاصله است. در حالیکه انگلیس و روسیه برای بلعیدن ما دهان باز کرده اند؛ امکان ندارد که دولت ثالثی از جمله آمریکا بتواند ایران را تحت سلطه خود در آورد.»

در دوره دوم زمامداری خود بعد از شهریور ۱۳۲۰؛ در سال ۱۳۲۱ از نوبه فکر جلب سیاست آمریکا افتاد؛ و موافقت کرد در دوره اشغال نظامی ایران از طرف شوروی و انگلیس؛ ارتش آمریکا به ایران بیاید.

او در دوره چهارم زمامداری خود در سال ۱۳۲۴ همین سیاست را تعقیب کرد و برای تحقق برنامه هفت ساله؛ از کارشناسان آمریکایی دعوت نمود؛ و سعی داشت که با استقرض از بانک بین المللی؛ برنامه هفت ساله خود را بمرحله اجرا عمل در آورد؛ ولی عمر دولت او کفاف نداد. (زندگی سیاسی قوام السلطنه؛ تالیف جعفر مهدی نیا).

یکبار دیگر قوام السلطنه در تاریخ ۲۶ ژانویه ۱۹۴۶ (۶ بهمن ۱۳۲۴) به نخست وزیری انتخاب گردید. او در این دوره از صدارت خود؛ در زمانی که ایادی روسیه آذربایجان را بصورت خودمختار در آورده بودند؛ موجبات تخلیه ایران را از نیروهای بیگانه (روس) و بازگرداندن آذربایجان را بایران فراهم ساخت.

در ۲۶ مهرماه ۱۳۲۶ گفتگوهای قوام السلطنه به نتیجه رسید و دولت با انعقاد پیمان محرمانه نظامی با آمریکا؛ به مستشاران نظامی آن کشور حق انحصاری دخالت در ارتش ایران را داد. رادیو لندن خبر انعقاد قرارداد محرمانه نظامی ایران و آمریکا را منتشر کرد؛ سفارت شوروی دست به اعتراض زد؛ دولت قوام تکذیب کرد؛ اما انگلیسی ها از آرشو ثبت قراردادهای سازمان ملل؛ قرارداد را به صفحات روزنامه ها کشاندند. چنین بود که شرایط برای سقوط دولت قوام آماده شد.

در تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۴۷ (۱۳ مهرماه ۱۳۲۶) بدستور قوام السلطنه نخست وزیر وقت؛ بین محمود جم که وزارت جنگ را بعهده داشته؛ بنمایندگی از طرف دولت ایران و ژرژ آلن سفیر کبیر آمریکا قرار دادی به امضاء رسیده است. (این قرارداد در صفحات ۶۴ تا ۷۰ جلد دوم کتاب اسناد معاهدات

دوجانبه ایران با سایر دول؛ توسط دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران؛ تحت عنوان سند شماره ۲۰ درج شده است).

«ماده ۲۴- تامدتی که این قرارداد؛ یا تمدید آن معتبر است؛ دولت ایران هیچگونه مامورین خارجی دیگر را برای انجام هیچگونه وظایف مربوط به ارتش ایران استخدام نخواهد نمود. مگر با توافق نظر مشترک مابین دولتین کشورهای آمریکا و ایران.»

«بموجب ماده ۱۱ قرارداد؛ اعضای هیئت مستشاران نظامی در صورت تخلف از قوانین و مقررات دولت ایران ممکن است از خدمت در ارتش ایران معاف گردند در این صورت فقط استحقاق دریافت هزینه مراجعت بامریکا را خواهند داشت.»

بموجب سند مندرج در صفحه ۹۶۶ جلد ۵؛ اسناد محرمانه وزارت امور خارجه، آمریکا مربوط به سال ۱۹۴۷ میلادی؛ در همان روزی که قرارداد اعزام افسران و سربازان جدید آمریکائی بین ژنرال آن سفير كبير آمریکا در ایران؛ و محمود جم وزیر جنگ ایران به امضاء رسیده است؛ این دو نفر قرارداد استخدام مستشاران سابق را نیز در همان تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۴۷ (۱۳ مهر ماه ۱۳۲۶) با مفاد جدید تمدید کرده اند.

بطوریکه ملاحظه میشود؛ قبل از آنکه محمدرضا شاه پهلوی در حکم وزنه سنگین؛ در ترازوی سیاست ایران جلوه گر شود؛ در زمان نخست وزیری قوام السلطنه که بیش از هر نخست وزیری نسبت به شاه بی اعتنائی میکرد؛ پای مستشاران آمریکائی به ایران باز شده؛ و آنان از بعضی مصونیت و مزایا که معمول بین کشور های کمک دهنده و کمک گیرنده است برخوردار شده بودند.

بموجب همان سند مندرج در صفحه ۹۶۶ جلد ۵؛ اسناد محرمانه وزارت خارجه آمریکا و نیز بموجب مواد ۲ و ۳ قرارداد مورد بحث؛ قرار بود که این قرارداد تا تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۴۹ میلادی (۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۷) به قوه خود باقی باشد؛ و دولت ایران در صورت تمایل به تمدید آن میبایست پیشنهاد خود را کتبا" قبل از تاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۸ میلادی (۳۰ شهریور ۱۳۲۷) به دولت آمریکائی تسلیم نماید و دولت آمریکا نیز موظف بود که قبل از تاریخ ۲۱ دسامبر ۱۹۴۸ (۲۹ آذر ۱۳۲۷) اقدام نماید.

اعلام تمایل ایران به تمدید قرارداد قبل از تاریخ (۳۰ شهریور ماه ۱۳۲۷) در زمان نخست وزیری عبدالحسین هژیر و توسط سپهبد امیر احمدی انجام شده است. عبدالحسین هژیر از نظر دولت انگلستان؛ یکی از بد سابقه ترین افراد بود؛ زیرا که وی در کابینه قوام السلطنه (همان کابینه ای که قرارداد استخدام مستشاران آمریکائی را منعقد ساخت) وزارت دارائی را بعهده داشت. از سوی دیگر عبدالحسین هژیر راجع باستیفای حقوق ملت ایران از نفت جنوب در صدد اجرای تنظیم لایحه ای مشتمل بر ۲۵ مورد از تخلفات اساسی و غیر قابل انکار شرکت نفت ایران و انگلیس از مفاد قرارداد ۱۹۳۳ را؛ از آن شرکت درخواست کرده بود؛ که نمایندگان خود را برای مذاکره در مورد تخلفات در اجرای قانون مصوبه به ایران اعزام دارد.

با این ترتیب چون مسلم بود که وی در این دوره از نخست وزیری؛ با پشتیبانی شاه به اقدامات سابق خود در جهت طرفداری از آمریکا و مخالفت با انگلیس ادامه خواهد داد؛ و از جمله استیفای حقوق تضييع شده ملت ایران از نفت جنوب را تعقیب خواهد کرد؛ همچنین تمایل دولت ایران به تمدید استفاده از مستشاران آمریکائی را اعلام خواهد کرد؛ بنابراین جای هیچگونه تعجب نیست؛ از همان روزی که مجلس شورایی به وی ابراز تمایل نمود؛ انگلواسلامیست ها و سایر انگلوفیلها تمام ایادی خود را در تمام جبهه ها بر علیه او بسیج کنند.

ساعت ۱۱ صبح روزی که عبدالحسین هژیر در کاخ منتظر فرمان صدارت بود؛ جمع کثیری از طبقات مردم و مخصوصاً دانشجویان دانشکده حقوق و فنی؛ (حمایت و تحریک شده توسط ایادی انگلوفیل ها) با صفوف منظم در میدان بهارستان جمع شدند و ضمن ملاقات با نمایندگان؛ اعتراض خود را نسبت به تمایل مجلس به نخست وزیری هژیر بیان نمودند. کسبه و اصناف با صلاح دید و راهنمایی آیت الله کاشانی (فردی که همیشه هیژم بیار معرکه انگلیس بوده) مغازه های خود را تعطیل و در میدان بهارستان اجتماع کردند؛ و ضمن ایراد سخن نمایندگان مجلس رابه

بادناسزا گرفتند... بدستوردولت ورنیس مجلس؛ پلیس برای متفرق ساختن مردم وارد معرکه شد. تیراندازی آغاز گردید و مردم تظاهرکننده نیز با چوب و چماق به پلیس حمله کردند.

روز چهارم نخست وزیری هژیر؛ چند هزار بازاری و روحانی در حالیکه قرآن بر سر داشتند؛ به رهبری سید مجتبی نواب صفوی؛ رئیس فدائیان اسلام؛ (گروهی که از انگلیس دستور میگرفت ورشته ایرانی اخوان المسلمین که امروز در قالب دیگری عمل می کنند) در میدان بهارستان علیه هژیر به تظاهرات پرداختند و اعلامیه شدیدالحن آیت الله کاشانی علیه نمایندگان مجلس بین مردم تهران پخش شد.

هنگامیکه هژیر وزیران خود را به مجلس شورایی معرفی میکرد؛ درلژ تماشاچیان مجلس تظاهرات شدیدی علیه او برپا بود و صدای مرگ بر هژیر مزدور و بی دین در فضای تالار علنی مجلس طنین انداز گردید. در همین جلسه حسین مکی؛ ابوالحسن حائری زاده؛ عبدالقدیر آزاد و رحیمیان دربار زده و خوردهای چند روز گذشته علیه او اعلام جرم کردند. (نخست وزیران ایران از مشیرالدوله تا بختیار- دکتر باقر عاقلی؛ صفحه ۵۰/۲۴۸)

عبدالحسین هژیر در مقابل جوی که مخالفین برای او درست کرده بودند؛ با وجود اکثریت آرا؛ پس از پنج ماه در ۲۷ اکتبر ۱۹۴۸ (۵ آبانماه ۱۳۲۷) از کارکناره گیری کرد.

موعد بعدی برای درخواست تمدید قرارداد مورد بحث قبل از شهریور ۱۳۳۱ و زمان مقرر برای امضای تمدید آن ۲۹ اسفندماه سال ۱۳۳۱ (۲۰ ماه مارس ۱۹۵۳) بود که این هر دو اقدام را نخست وزیر وقت؛ یعنی دکتر محمد مصدق بدون سر و صدای انجام رسانده است.

شرح کوتاهی در ارتباط با مطلب مورد بحث

همانطوریکه دیدیم؛ دولت آمریکا پس از آنکه به تبعیت دولتهای روس و انگلیس در اشغال ایران شرکت نمود (دراواخر جنگ جهانی دوم) چند فقره؛ قرارداد دو جانبه و محرمانه با دولت ایران منعقد ساخت. بموجب این قراردادها که آخرین آن در تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۴۷ (۱۳ مهرماه ۱۳۲۶) در کابینه قوام السلطنه توسط وزیر جنگ این کابینه و سفیر کبیر آمریکا با مضار رسید؛ به مستشاران و کارکنان هیئتهای نظامی آمریکا در ایران بعضی مصونیتها و امتیازات داده شد.

دولتهائیکه عاقد قراردادهای محرمانه در مورد همکاری نظامی با آمریکا بوده اند استتار آنها را به صلاح دولت و ملت دانسته و به استناد قسمت آخر اصل ۲۴ قانون اساسی مشروطیت (ذیلاً برای اطلاع این قانون درج میگردد) از انتشار آنها و درخواست طرح و تصویبشان در مجلس شورایی خود داری کرده بودند:

«اصل ۲۴- قانون اساسی مشروطیت- بستن عهدنامه ها و مقاوله نامه ها؛ اعطای امتیازات (انحصار) تجاری و صنعتی و فلاحتی و غیره؛ اعم از اینکه طرف داخله باشد و یا خارجه؛ باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد؛ به استثنای عهدنامه هائیکه استتار آنها صلاح دولت و ملت باشد.»

ولی چون استتار قراردادها بموجب اصل ۲۴ مزبور بهانه صلاح دولت و ملت نمیتوانسته است ابدی باشد؛ لذا اصل ۵۲ متمم قانون اساسی مشروطیت بشرح زیر تکلیف این قبیل قراردادها را روشن کرده است .

«اصل ۵۲- متمم قانون اساسی مشروطیت - عهدنامه هائیکه مطابق اصل ۲۴ قانون اساسی مورخ چهاردهم ذیقعدہ یک هزار و سیصد و بیست و چهار استتار آنها لازم باشد؛ پس از رفع محذور همینکه منافع و امنیت مملکتی اقتضاء نمود با توضیحات لازمه باید از طرف پادشاه بمجلس شورایی و سنا اظهار شود.»

همچنانکه قبلاً نیز اشاره شد؛ محمدرضا شاه پهلوی در آغاز سلطنت خود تا چندین سال نفوذی در کابینه های وقت و در تعیین سیاست و اداره امور کشور نداشت؛ و در اعطای مصونیت قضائی نامحدوده مستشاران آمریکائی؛ دارای دخالتی موثر و تعیین کننده نبوده است.

باتنظیم و تصویب کنوانسیون مربوط به روابط سیاسی بین دولتها؛ توسط سازمان ملل متحد دروین؛ که در تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ (۲۹ فروردین ۱۳۴۰) به امضای نماینده ایران نیز رسیده بود؛ بهانه خوبی بدست شاه و دولت ایران افتاد که در جهت تعدیل مصونیت‌های اعطائی به مستشاران نظامی با مقامات سفارت آمریکا بگفتگو بپردازند.

شرح گونااهی راجع به کنفرانس وین و ماده واحده

کنفرانس وین برای روشن ساختن وضع خدمت ماموران دولتی در کشورهای دیگر تنظیم شده است و امتیازاتی که هر دولت بموجب آن بماموران اعزامی از سوی سایر کشورها میدهد؛ متقابل میباشد. یعنی همان مزایا را عیناً در مورد ماموران اعزامی خود از سایر کشورها دریافت می‌دارد. بطور مثال هم اکنون دولت جمهوری اسلامی ایران با حدود ۱۴۰ کشور جهان روابط سیاسی دارد. باین معنی که در حال حاضر ایران در این ۱۴۰ کشور دارای سفارتخانه (نماینده کنسولی یا سیاسی، احتمالاً فرهنگی و اقتصادی) است و هزاران نفر ایرانی بعنوان دیپلمات و مامور سیاسی (باگذرنامه سیاسی) و یا بعنوان کارمندان اداری و فنی (با گذرنامه خدمت) در سایر کشورها به خدمت اشتغال دارند و از مصونیت‌ها و مزایای مندرج در کنوانسیون وین استفاده مینمایند؛ و متقابلاً به همان تعداد سفارتخانه از کشورهای بیگانه در تهران وجود دارد و هزاران نفر خارجی با استفاده از همان مزایا و مصونیت‌ها مشغول خدمت میباشند.

حال اگر بتوان مزایا و مصونیت‌های اعطائی به «کارمندان اداری و فنی» هر کشوری را طبق ادعای به اصطلاح روشنفکران و کسانی که قلب تاریخ می‌کنند «کاپیتولاسیون» نام نهاد؛ در اینصورت باید گفت که مزایا و مصونیت‌های اعطائی به دیپلمات‌ها و ماموران سیاسی ایران در همان ۱۴۰ کشور جهان؛ تمام این کشورها را بصورت مستعمره ایران در آورده است!! زیرا که مصونیت‌ها و مزایای دیپلمات‌ها و ماموران سیاسی ایران در سایر کشورها بمراتب بیش از «کارمندان اداری و فنی» است.

معمولاً هریک از این سفارتخانه‌ها (جز در موارد استثنائی) توسط یک نفر با عنوان «سفیر» اداره میشود که نماینده رسمی دولت متبوع خود تلقی میگردد. کارکنان هر سفارتخانه که تابعیت دولت خود را دارند و تعدادشان گاهی به دهها و حتی به صدها نفر میرسد؛ مشمول مقررات مندرج در کنوانسیون وین میباشند.

این کنوانسیون [بین المللی] را نماینده ایران در تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ مطابق با (۲۹ فروردین ماه ۱۳۴۰) امضا کرده؛ و در تاریخ ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴ مطابق با (۲۱ مهر ماه ۱۳۴۳) در مجلس شورای ملی مورد تصویب نهائی قرار گرفته و به دولت ابلاغ شده است.

بموجب این قرارداد و این کنوانسیون؛ بطور کلی اعزام افرادی از سوی دولت متبوعشان بمدتی کوتاه و یا طولانی برای خدمت در کشور دیگر برای حفظ منافع و توسعه روابط کشورشان در زمینه‌های سیاسی؛ اقتصادی؛ فرهنگی؛ نظامی و از این قبیل؛ با کشور محل خدمت؛ «ماموریت» نامیده میشود.

در آن کنوانسیون؛ از «سفیر» بعنوان «رئیس ماموریت» نام برده شده و سایر «کارکنان ماموریت» بطور کلی به سه گروه تقسیم شده اند که عبارتند از: ۱- کارمندان سیاسی ۲- کارمندان اداری و فنی ۳- خدمه ماموریت

گروه اول؛ رئیس ماموریت یعنی سفیر نیز در زمره آنان است؛ دیپلمات شناخته میشوند و دارای گذرنامه سیاسی هستند که از مصونیت‌های سیاسی و امتیازات و مزایای قابل توجهی برخوردار میباشند. ولی اعضای گروه دوم (کارمندان اداری و فنی) است که مستشاران نظامی آمریکا همیشه در زمره آنان محسوب شده بودند. در دروان گذشته کارشناسان وزارت اقتصاد، وزارت دفاع و وزارت فرهنگ و برخی از نظامیان از همین مزایا استفاده کرده در کشورهای دیگر انجام وظیفه می‌کردند.

اعضای گروه سوم (خدمه ماموریت) که غیر سیاسی بشمار میروند و گذرنامه خدمت در اختیار دارند؛ دارای امتیازات و مزایای کمتری هستند؛ که معمولاً به صورت متقابل تعیین میگردد. بطور مثال؛ در همان قانون ماده واحده جنجال برانگیز مورد بحث که (ذیلاً) درج شده

است) خواهیم دید؛ مستشاران نظامی آمریکا از مصونیتها و معافیت‌های مربوط به «کارمندان اداری وفنی» برخوردار شده اند و در همان زمان نیز یکنفر ماشین نویس که از طرف دولت ایران در سفارت ایران در واشنگتن به خدمت اشتغال داشته است؛ خود به خود جزو «کارمندان اداری وفنی» محسوب می‌شده و عیناً بطور متقابل از همان مصونیتها و معافیتها برخوردار بوده است؛ و هر یک از این دونفر یعنی (مستشاران نظامی آمریکا در ایران و ماشین نویس ایرانی در سفارت ایران در آمریکا) در صورت ارتکاب جنایت در کشور محل ماموریت خود؛ در همان کشور قابل بازداشت و محاکمه و مجازات بوده اند.

باین ترتیب هیچگونه امتیاز کاپیتولاسیونی نه از طرف دولت ایران به آمریکا؛ و نه از طرف دولت آمریکا به ایران داده نشده بود. (جمله منفی است)!

متن قانون اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا از مصونیتها

و معافیت‌های مندرج در کنوانسیون وین

ماده واحده زیر که ابتدا در تاریخ ۲۶ جولای ۱۹۶۴ (۳ مردادماه ۱۳۴۳) در مجلس سنا و سپس در تاریخ ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴ (۲۱ مهرماه ۱۳۴۳) در مجلس شورایی تصویب گردیده و متعاقباً پس از توشیح پادشاه جهت اجرا به دولت ابلاغ شده بود؛ همان قانونی است که توسط مخالفان؛ به نام «کاپیتولاسیون» موسوم گردید و از آن ناجوانمردانه برای حمله به محمد رضا شاه پهلوی و مخالفت با وی مورد استفاده قرار گرفت:

«ماده واحده- به دولت اجازه داده میشود که رئیس و اعضای هیئت‌های مستشاری نظامی ایالات متحده را در ایران؛ که بموجب موافقتنامه‌های مربوط در استخدام دولت شاهنشاهی میباشند؛ از مصونیتها و معافیت‌هایی که شامل «کارمندان اداری وفنی» موضوع **بند (و) ماده اول قرارداد وین** که در ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ مطابق با (۲۹ فروردینماه ۱۳۴۰) به امضاء رسیده؛ برخوردار نماید.»

شرح ماده واحده مصوب ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴ (۲۱ مهرماه ۱۳۴۳)

بطوریکه گفته شد و همانطور که در متن ماده واحده نیز به روشنی ملاحظه میشود؛ رئیس و اعضای هیئت‌های مستشاری نظامی آمریکا؛ فقط از مصونیتها و معافیت‌های «کارمندان اداری وفنی» موضوع **بند (و) ماده اول قرارداد وین** برخوردار شده اند.

متن ماده اول و بند (و) قرارداد وین؛ که اصطلاحات مندرج در آنرا تعریف کرده است؛ بشرح زیر میباشد:

«ماده اول- در این قرارداد معانی اصطلاحات زیر به شرحی خواهد بود که در پانین تصریح شده است:

الف- اصطلاح (رئیس ماموریت) یعنی شخصی که از طرف کشور فرستنده مامورانجام وظیفه در این سمت میشود.

ب - اصطلاح (اعضاء ماموریت) یعنی رئیس ماموریت و کارمندان ماموریت.

ج - اصطلاح (کارمندان ماموریت) یعنی (کارمندان سیاسی) (کارمندان اداری و فنی) و (خدمه ماموریت).

د - اصطلاح (مامور سیاسی) یعنی آن دسته از کارمندان ماموریت که دارای سمت سیاسی (دیپلمات) میباشند.

هـ - اصطلاح (کارمندان سیاسی) یعنی رئیس ماموریت یا یکی از کارمندان سیاسی ماموریت.

و- اصطلاح (ماموران اداری وفنی) یعنی آن دسته از (کارمندان ماموریت) که به امور اداری وفنی ماموریت؛ اشتغال دارند.

ز- اصطلاح (خدمه) یعنی آن دسته از کارکنان ماموریت که به امور خانگی ماموریت اشتغال دارند.

ح - اصطلاح (خدمتکار شخصی) یعنی کسانی که خادم یکی از اعضای ماموریت بوده؛ و مستخدم کشور فرستنده نمیباشند.

ط - اصطلاح (اماکن ماموریت) یعنی ابنیه و یا قسمتهائی از ابنیه وزمین متصل به آن که مالک آن هرکه باشد؛ برای انجام مقاصد ماموریت از جمله برای محل اقامت (رئیس ماموریت) مورد استفاده قرار میگیرد.»

میزان مزایا و مصونیت‌های مربوط به کارمندان اداری وفنی

حال که از متن بند (و) ماده اول قرارداد وین و مشخصات «کارمندان اداری وفنی» که مستشاران نظامی آمریکا در ردیف آنان قرار گرفته اند؛ آگاهی یافتیم؛ باید ببینیم که این کارمندان بموجب قرار داد مزبور دارای چه معافیتها و مصونیت‌هایی میباشند.

تعیین میزان این معافیتها و مصونیت‌های مربوط به «کارمندان اداری وفنی» در کنوانسیون وین به این نحو صورت گرفته است که در بند ۲ از ماده سی و هفتم تقریباً تمام مزایا و مصونیت‌های متعلق به «ماموران سیاسی» برای آنان نیز پیش بینی شده است:

بند ۲ از ماده سی و هفتم - پیشنهاد برقراری مزایا برای کارمندان اداری وفنی.

«ماده سی و هفتم - کارمندان اداری وفنی ماموریت؛ و همچنین بستگان آنها که اهل خانه آنها هستند به شرط آنکه تبعه کشور پذیرنده؛ و یا مقیم دانم آن کشور نباشند از مزایا و مصونیت‌های مندرج در مواد ۲۹ تا ۳۵ بهره مند خواهند بود. ولی مصونیت از صلاحیت مقامات دولت پذیرنده در امور مدنی اداری موضوع بند اول ماده ۳۱ شامل اعمال خارج از وظایف آنها نخواهد شد.

اشخاص مذکور همچنین از مزایای مندرج در بندهای ماده ۳۶ در موارد اشیائی که برای منزل خود وارد میکنند؛ استفاده خواهند نمود. و اما چون اعطای تمام امتیازات و مصونیت‌های سیاسی به «کارمندان اداری وفنی» امری غیر منطقی به نظر میرسد؛ لذا در حال حاضر اکثر کشورهای بموجب بند یک از ماده ۳۲ کنوانسیون؛ که بشرح زیر به دولت‌های فرستنده مامور؛ اختیار انصراف از آن مزایا و مصونیت‌ها را داده است؛ بطور متقابل انصراف خود را از حق مصونیت قضائی در امور جزائی در مورد «کارمندان اداری وفنی» اعلام داشته اند. و سفارت آمریکا نیز بنمایندگی از طرف دولت آن کشور؛ همین انصراف را تصریحاً در مورد مستشاران نظامی امریکائی اعلام کرده بود.

ماده سی و دوم - دولت فرستنده میتواند انصراف خود را از مصونیت قضائی نمایندگان سیاسی و اشخاصیکه بر طبق ماده ۳۷ از مصونیت برخوردار میشوند؛ اعلام نماید.

متن اعلام انصراف سفارت آمریکا از مصونیت قضائی در مورد جنایات ارتكابی توسط مستشاران نظامی آمریکا

متعاقب تصویب ماده واحده قانون اعطای مصونیتها و مزایای مربوط به «کارمندان اداری وفنی» مندرج در بند (و) ماده اول کنوانسیون وین به مستشاران نظامی آمریکا؛ وزارت امور خارجه ایران در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ (۱۸ آذرماه ۱۳۴۳) طی دو فقره یادداشت به شماره های ۹۷۶۰ و ۹۷۶۲ مراتب را با اطلاع سفارت آمریکا در تهران رسانده است.

سفارت آمریکا در پاسخ این دو یادداشت؛ طی نامه ای که عیناً بشرح زیر درج میگردد؛ صریحاً و رسماً اعلام داشته است که:

«مقامات دولت آمریکا از هر نوع درخواست مقامات دولت ایران برای چشم پوشی و صرف نظر از مصونیت سیاسی در موارد دارای اهمیت ویژه با علاقمندی کامل استقبال خواهند نمود.»

«سفارت آمریکا در تهران؛ تشکرات و ارادت صمیمانه خود را تقدیم وزارت امور خارجه پادشاهی ایران مینماید و احتراماً دریافت یادداشتهای شماره ۹۷۶۰ و شماره ۹۷۶۲؛ هر دو مورخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ آن وزارتخانه؛ و در پاسخ به یادداشت شماره ۲۹۹ مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۶۳ این سفارتخانه را با اطلاع میرساند و تائید مینماید که یادداشتهای مذکور در فوق آن وزارتخانه در عین حال از سوی ما؛ در حکم پاسخی مطلوب و پذیرفتنی به یادداشت شماره ۴۲۳ مورخ ۱۹ مارس ۱۹۶۲ میلادی این سفارتخانه محسوب میشود.

در خصوص این تبادل یادداشتهایم آهنگ با او بر اساس شرایط مندرج در ماده ۳۲ «بیمان نامه وین»؛ این سفارتخانه خوشوقت است با اطلاع برساند که مقامات دولت آمریکا از هر نوع درخواست مقامات دولت ایران برای چشم پوشی و صرف نظر از مصونیت سیاسی در موارد دارای اهمیت ویژه از نظر مقامات دولت پادشاهی ایران؛ با علاقمندی کامل استقبال خواهد نمود؛ و تائید میشود که موارد دارای اهمیت ویژه در این خصوص؛ موارد مربوط به جنایات مشخص و واقعا "سزاوار سرزنش خواهند بود و لا غیر.

سفارت آمریکا در تهران از فرصت استفاده نموده؛ یکبار دیگر عالیترین مراتب احترامات و ارادتهای خود را تقدیم آن وزارتخانه مینماید.
سفارت آمریکا در تهران»

(اسناد معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول - دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی جلد دوم صفحه ۳۰۸)

مخالفان شاه فقید ایران و مفسران ناجوانمردانه فقط بند (۲) از ماده (۳۷) در مورد اعطای تمام مزایا و مصونیتهای پیشینهای در مورد «کارمندان اداری و فنی» را بعنوان مزایای قطعی آنان ذکر کرده اند؛ اما از اینکه دولتهای آمریکا و ایران با استناد؛ اختیار حاصله از (بند ۱) از ماده (۳۲)؛ عملاً و بطور متقابل از اعطای این مزایا به «کارمندان اداری و فنی» یکدیگر خودداری کرده اند؛ اصلاً هیچ سخنی بمیان نیآورده اند.

این مغرضان و دشمنان ایران و ایرانی؛ حتی یادداشت رسمی سفارت آمریکاراکه در مورد همان مستشاران آمریکایی؛ صادر شده که طی آن از مصونیتهای قضائی در مورد اقدامات جنائی آنان صرف نظر شده است؛ ندیده گرفته اند.

همانطوریکه در ابتدا گفته شد در روز ۴ آبانماه ۱۳۴۳؛ روز تولد پادشاه فقید ایران که (تصادفاً در آن سال با ۲۰ جمادی الثانی) یعنی روز تولد حضرت فاطمه و روز تولد مورد ادعای بعدی روح الله خمینی بوده است؛ سخنرانی بسیار شدیدی در قم؛ در مخالفت با ماده واحده مصوب ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴ (۲۱ مهرماه ۱۳۴۳)؛ راجع به اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکادر ایران ایراد کرد؛ و با این بهانه که شاه و دولت؛ باتصویب قانون مزبور خیانتی عظیم مرتکب شده و مقررات «کاپیتولاسیون» را در ایران احیاء کرده اند؛ به تحریک مردم پرداخت. سخنرانی طولانی روح الله خمینی با این حملات شروع شده بود:

«انا لله وانا اليه راجعون - من تاثرات خود را نمیتوانم انکار کنم. قلب من درفشاراست. این چند روز که مسائل ایران را شنیدیم؛ خوابم کم شده است. ناراحت هستم. قلبم درفشاراست. با تاثرات قلبی روزشماری میکنم که چه وقت مرگ من پیش میاید. ایران دیگر عید ندارد عید ایران را عزا کردند. عزا کردند و چراغانی کردند. عزا کردند و دسته جمعی رقصیدند. پا یکوبی کردند...»

علاوه بر این سخنرانی طولانی که در نوآرکاست ضبط؛ و به تعداد زیاد از طریق (مومنین و مومنان!) در سر تا سر ایران پخش گردید؛ و اعلامیه مفصلی نیز با امضای روح الله خمینی بهمان طریق در همه جا انتشار یافت که با این جملات آغاز شده است:

لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا" آیا ملت ایران میدانند در این روزها در مجلس چه گذشت؟ میدانند بدون اطلاع ملت و بطور قاچاق چه جنایتی واقع شد؟ مجلس به پیشنهاد دولت سند بردگی ملت ایران را امضاء کرد؟ اقرار به مستعمره بودن ایران نمود. سند وحشی بودن ملت مسلمان را به آمریکاداد. بر جمیع مفاخر قلم سیاه کشید اسلامی و ملی ما.....»

روح الله خمینی ۹ روز بعد از این سخنرانی؛ در تاریخ ۴ نوامبر ۱۹۶۴ (۱۳ آبانماه ۱۳۴۳) بازداشت؛ و متعاقبا" به ترکیه تبعید گردید.

از این تاریخ به بعد تمام افرادی که بپادشاه فقید ایران مخالف بودند؛ دانسته؛ و ناجوانمردانه و کثیری ندانسته قانون مربوط به آنها؛ به غلط «کاپیتولاسیون» نام نهاد و همواره از آن بعنوان یکی از خیانت‌های بزرگ شاه فقید یاد کرده اند.

بخشی از: کتاب گفته نشده هادرباره خمینی؛ نگارش مهدی شمشیری
تهیه از: ح-ک با همکاری یکی از ایرانیان.

این مطلب در سایت پیوند ایرانیان به آدرس کاپیتولاسیون موجود است.